

مضراب

«باغ‌های معلق انگور» منتشر شد



● گروه هنر: آلبوم موسیقی «باغ‌های معلق انگور»، اثری از گروه موسیقی «گاه» و به نوازندگی «حمید مرادیان» و «بابک کوهستانی» منتشر شد. «باغ‌های معلق انگور»، نام اثری است تازه که «حمید مرادیان» با نوازندگی سنتور و «بابک کوهستانی» با نوازندگی ویولا، قطعات آن را ساخته و پرداخته‌اند و شامل شش قطعه بی‌کلام با نام‌های «آن اول»، «آن دوم»، «آن سوم»، «آن چهارم»، «آن پنجم» و «آن ششم» است. در «باغ‌های معلق انگور» دو سبک موسیقی در همراهی با سازهای سنتور و ویولا کنار هم نشسته و گفت‌وگو کرده‌اند. مرادیان درباره این اثر می‌گوید: «ایده بداهه‌نوازی هم براساس دو فرهنگ موسیقایی، زمانی شکل گرفت که سعی کردیم بیازماییم که آیا ممکن است دو موسیقی به ظاهر متفاوت را هم‌زمان با هم نواخت و درعین‌حال آنها را در زیبایی‌شناسی فرمال و جمله‌بندی یکدیگر محفوظ داشت؟ به‌هزرتیب در این برنامه سعی شده موسیقی دستگاهی ایران در کنار موسیقی رنسانس اروپا و دیگر اقوام کهن جهان شنیده شود».

ریشه‌های پیوسته و خوشه‌های شیرین



محمد رضا درویشی

● ریشه‌های زبانی، فرهنگی و هنری همه اقوام و ملل در هم تنیده است. این در هم‌تنیدگی که ما آن را «تبدیلات» می‌نامیم، برحسب عواملی چون بُعد جغرافیایی، مهاجرت و... در نسبت‌های مختلفی نسبت به هم قرار گرفته‌اند. در خود ایران با آن‌همه تنوع قومی، زبانی و فرهنگی، ریشه یا ریشه‌های محکمی بار همه این تنوعات و تبدیلات را بر دوش می‌کشند. این موضوع را می‌توان به قلمروهای مجاور، کشورها، قاره‌ها و کل زمین تعمیم داد. همه این پیوستگی‌ها را زمانی می‌توان شناخت که به اصل «تبدیلات» – نه تغییرات- باور داشته باشیم. آنچه این تبدیلات را ممکن می‌کند، وجود ریشه‌های مشترک در زبان، موسیقی و رقص است. درعین‌حال علوم جدید؛ مانند علم ژنتیک و دانش زبان‌شناسی نیز به کمک آمده و بر این موضوع صحه گذاشته‌اند. بنابراین قابل فهم است که چگونه اقوام، ادیان، نژادها و فرهنگ‌های مجاور و غیرمجاور در طول تاریخ در شکل‌گیری هم مؤثر بوده و هستند. سه دین ابراهیمی یهودی، مسیحی و اسلام تقریباً در یک حوزه جغرافیایی ایجاد شده‌اند. می‌توان انتظار داشت که نخستین آلمانی که در آیین‌های نوکیشان مسیحی خوانده می‌شده است، نمونه‌های تبدیل‌شده آواهایی بوده که در آیین‌های مذهبی یهودیان به اجرا درمی‌آمده است. چگونگی نواهای عریستان دوره جاهلیت بر ما پوشیده است؛ چپسا آنها نیز به مانند دیگر ادیان ابراهیمی از تمدن کهن‌تر «آرامی» نشئت گرفته باشند. با گذشت از این موضوعات، از یک طرف مسیحیت به اروپا می‌رود و با این مهاجرت بسیاری از آوازهای یهودی به آنجا منتقل می‌شوند و از جانب دیگر در دوران طولانی جنگ‌های صلیبی بسیاری از اصول و مبانی اجرایی موسیقی اسلامی به اروپا انتقال می‌یابند. از یک طرف مبانی نظری موسیقی یونان قدیم دست‌مایه متفکرانی چون فارابی می‌شود و از جانب دیگر وجود صداهای هم‌زمان در عود اسلامی مایه‌ای برای شکل‌گیری نخستین ارگانون‌های قرون‌وسطایی قرار می‌گیرد. با گسترش امپراتوری اسلامی به جهات مختلف جهان، جدا از باورهای دینی، بسیاری از آداب و رسوم، موسیقی‌ها و سازها نیز در حال تبادل بودند. «باغ‌های معلق انگور» تشبیهی عجیب است از ریشه‌های پیوسته و خوشه‌های شیرین درخت عظیم تاقی، تا با تبدیلات خود کام مردمان سرزمین‌های دوروزن‌دیک را شیرین کند. مجموعه «باغ‌های معلق انگور» دربرگیرنده دو موسیقی به ظاهر متفاوت و به باطن مشترک است؛ یکی موسیقی به‌اصطلاح دستگاهی ایران که خود ایخچه‌ای بس شگفت است و دیگری، فواصل، مدها و نغمه‌هایی از قرون وسطا و رنسانس اروپا. جدا از اشتراکات سازی که در گروه‌های موسیقی دوره‌گرد همانند تروبادورها و تروورها در سازهایی از خانواده عود، سرنا، دهل، نی‌لیک، چنگ و... جلوه می‌کند، بُعد پنهان اشتراک این دو موسیقی (ایران و اروپای رنسانس و قرون وسطا) لحن مشترک، فواصل مشترک و نغمه‌های نسبتاً مشترک است. نکته دیگر در مورد این آلبوم آن است که این دو موسیقی با هم تلفیق نشده‌اند، بلکه سعی در حرکت‌دادن موازی دو زیبایی‌شناسی موسیقایی داشته‌اند، ازاین‌رو اثر در زانر موسیقی تلفیقی قرار نمی‌گیرد. هرکدام از نوازندگان در چارچوب فرهنگ موردنظر به بداهه‌سازی پی‌داخته‌اند و بداهه‌هایی است به ظاهر بی‌قالب که آزاد از همه پیش‌بینی‌ها در لحظه و فقط در لحظه اتفاق می‌افتد و این نکته ارزش مضامفی است که به این مجموعه افزوده شده است.

صدوجهل‌وپنجمین مراسم آیین دیدار فیلم «کوه» ساخته امیر نادری دوشنبه‌شب، ۱۶ مرداد، در موزه سینما برگزار شد. به گزارش هنروتجربه، در این مراسم که با حضور چشمگیر علاقه‌مندان به سینمای هنروتجربه و آثار این کارگردان قدیمی برگزار شد، سالن فردوس موزه سینما بعد از نزدیک به ۳۰ سال اثری از نادری را به نمایش گذاشت. فیلم سینمایی «کوه» آخرین ساخته امیر نادری که پیش‌ازاین در جشنواره‌های مختلفی ازجمله جشنواره ونیز هم حضور داشت، اثری خاص و در ادامه فیلم‌های قدیمی این کارگردان مطرح سینمای ایران است. «کوه» به‌عنوان اولین فیلم ایتالیایی‌زبان نادری، روایتگر ماجرای مردی است که با وجود تاریکی که پیرامونش را فرا گرفته، تقلا می‌کند که آفتاب را به روستای خود بازگرداند و در این مسیر به جنگ طبیعت می‌رود.

«**دوندۀ نادری، کوه**»

شروع مراسم از ساعت ۲۰ اعلام شده بود و تقریباً از حوالی همین ساعت تماشاگران جلوی سالن سینما جمع شده بودند و لحظه‌به‌لحظه هم به تعداد آنها افزوده می‌شد. روال این دیدار مانند دیگر مراسم‌های هنروتجربه بود؛ اما با یک غافلگیری. در گوشه‌ای از حیاط موزه سینما و کنار پوستر فیلم «کوه»، یک قالب یخ بزرگ روی یک بشکه نفت قرار گرفته بود، همه آنهایی که با فیلم «دوندۀ» امیر نادری خاطره داشتند، با دیدن این صحنه بلافاصله صحنه‌های به‌یادماندنی این فیلم برایشان تداعی شد. در این مراسم سینماگران و منتقدانی مانند ابراهیم فروزش، علی عباسی، لاله اسکندری، ملک جهان خراعی، هوشنگ گلمکانی، خسرو دقان، علیرضا زربندست، محمدعلی سجادی، بهزاد خادویسی، علی زکان، مهرشاد کارخانی، عزیزالله حمیدنژاد، غلامرضا رضانی، مجتبی میرطهماسب، محسن امیریوسفی، اسحاق خانزادی، نظام‌الدین کیایی و... در کنار اهالی رسانه و منتقدان حضور داشتند که پس از امضای پوستر فیلم «کوه» برای تماشای فیلم به سالن دعوت شدند؛ اما پیش از آغاز نمایش فیلم، تصاویری از فیلم «کوه» و نقدهایی از رسانه‌های مطرح دنیا درباره آن به روی پرده رفت و پس از آن روایت مرحوم علی معلم از اکران فیلم در جشنواره ونیز را شاهد بودیم. در ادامه شاهین امین که اجرای مراسم را برعهده داشت، به روی صحنه رفت. او در بخشی از سخنانش اشاره کرد: «امیر نادری نمونه یک سینماگر تواناست که بدون داشتن ژن خوب تنها با تکیه بر سخت‌کوشی

کروه هنر: نمایش «یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه»، با نویسندگی مشترک محمد چرمشیر و بهمن عباسپور و کارگردانی شهرام گیل‌آبادی از یکم مرداد اجراهای خود را در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر آغاز کرده؛ در این نمایش ۸۰ دقیقه‌ای که نگاهی به معضلات اجتماعی زنان، به‌ویژه وضعیت زنان کارتن خواب دارد، سیما تیرانژان، پاتنهآ بهرام، مینا دریس و لادن مستوفی ایفای نقش می‌کنند. با گیل‌آبادی درباره این نمایش گفت‌وگو کرده‌ایم.

❧ چگونه است که کارتن‌خوابی که یک مسئله اجتماعی دیرینه است، یک‌باره در تئاتر یکی، دو سال اخیر برجسته می‌شود؟ آیا میزوی مانع می‌شده است؟

دلایل متعددی دارد؛ این زخم، یک زخم کهنه است و مخصوص این چند سال اخیر نیست و شاید یک زخم ۷۰ یا ۸۰ ساله است؛ یعنی مشکلات پیچیده اجتماعی باعث شدند تا امروز زخم آسیب‌های اجتماعی سر باز کند و در جامعه همه با آن مواجه بشوند. این یک مسئله تاریخی در زمانی است، اما هم‌زمان با ما این مشکل عمق پیدا کرده و جایی باید سدی جلو آن شکل بگیرد که از سیاست‌گذاری آغاز می‌شود. در‌حال‌حاضر مسئولان نظام هر فصل در حضور رهبر، به موضوع آسیب‌های اجتماعی می‌پردازند؛ پس بسیار موضوع برجسته و بااهمیتی است و هنر هم باید نقش خود را در این زاویه و فضا نشان دهد. اگر هنر نقش خود را در این فضا ایفا نکند، خود را از جامعه دور کرده، هنری که پیش‌رو و سدشکن نباشد و پیشاهنگی خود را نداشته باشد، مورد انتخاب قرار نمی‌گیرد. پس در این دو یا چند سال اخیر، هنر توجه جدی به سمتی دارد که باید آشکار و رازگشایی شود و به عمق آن حرکت شود؛ در نهایت باید توجه شود تا منتج به رفع مشکل اجتماعی شود. هنرمندان در این سال‌ها توجه جدی به این معضلات کرده‌اند؛ به‌این دلیل که این آسیب عمق پیدا کرده و می‌شود آن را در فضای جامعه دید. تکتیر و تنوع افرادی که در حیطه اعتراضات از مشکلات، مستقبتی باعث می‌شود این معضلات از جلو چشم کنار نروند. هنرمند هم به‌عنوان جزئی از جامعه خود، معضلات را می‌بیند، دردنگاری و رازگشایی می‌کند و به سمت رفع مشکلی که وجود دارد می‌رود.

❧ مستندبودن این تئاتر چه کمکی به‌لحاظ بازتاب اجتماعی چنین پدیده‌ای خواهد کرد؟

بدون شک فضای جامعه مستعد این است که هنر بسیاری از موضوعات را به‌شکل گزیده بیاورد و اگرآندیسیمان کرده، آن را نشان دهد و جامعه تماشاگر بتواند وظیفه خود را در ارتباط با آن فضای مستند و اجتماعی پیدا کند. اگر اِیین اتفاق بیفتد، حتما تماشاگر به سمتی می‌رود که به این فرایند اجتماعی کمک کند تا دیگر وجود نداشته باشد یا کم شود یا در ارتباط با آن آسیب تغییر رفتار بدهد.

❧ خودتان چه نیستی را برای رفتن به‌سوی کارتن‌خوابی مدنظر داشته‌اید و اکنون با گذشت چند شب از اجرایتان چقدر این اهداف محقق شده‌اند؟

کارتن‌خوابی یک پدیده اجتماعی است که وقتی به‌راحتی از کنار آن گذر می‌کنیم، ممکن است به این مسئله فکر نکنیم که ما باعث شدیم خیلی از افراد

هنر

آیین دیدار فیلم «کوه» در موزه سینما برگزار شد

امیر نادری، پس از ۳۰ سال



و توانایی خود توانست از کف خیابان‌های آبادان تا حد یک سینماگر صاحب سبک و مؤثر بالا بیاید و خود را به سینما و جهان اثبات کند». او سپس با ادای توضیحی کوتاه درباره فیلم «کوه»، از علی عباسی، تهیه‌کننده فیلم‌های «تکنّا» و «تکسیر»، دعوت کرد به روی صحنه آمده و از امیر نادری بگوید.

تولدِ دیگر

مهم‌ترین نکته صحبت‌های عباسی از گذشته امیر نادری تا چند دقیقه پیش از اکران فیلم که تلفنی با او صحبت کرده بود، حول محور محبت و لحن گرم نادری بود: «اثرژی، جوشش و ارتفاع حرفه‌ای امیر نادری بر کسی پوشیده نبود و نبوغی که در وجود امیر فوران می‌زد، برای همه روشن است. او علاوه بر توانایی یک شرف حرفه‌ای داشت و تمام وجودش را برای اینکه فیلم درستی عرضه شود، پای کار گذاشت. بادم هست برای فیلم «تکسیر» او با وجود اینکه امکان حضور در هتل و استفاده از راننده شخصی داشت؛ اما با تدارکات فیلم در جا زندگی می‌کرد. سطح زندگی و سطح خلقی امیر نادری از ۵۰ سال پیش تاکنون، یعنی از زمانی که به‌عنوان یک عکاس ساده کارش را شروع کرد تا حالا که نامش در دنیا مطرح شده، هیچ تفاوتی نکرده است». بعد از عباسی، علیرضا زربندست که نادری همیشه از او به‌عنوان معرفی‌ش به سینما یاد می‌کند، نیز به روی صحنه رفت و از طرف امیر نادری به حاضران در سالن که کم‌کم به تعدادشان افزوده می‌شد، خوشامد گفت. زربندست همچنین به مصادف‌شدن نمایش این فیلم با سالروز تولد امیر نادری اشاره و تأکید کرد: «بعد از نزدیک به ۳۰ سال یک تولد دیگر برای او اتفاق افتاده است».

گفت‌وگو با شهرام گیل‌آبادی، کارگردان نمایش یک دقیقه و سیزده ثانیه

یک زخم کهنه



که بهترین معرف یک اثر هستند؛ یعنی هم یک اثر از خوب می‌شناسند و هم می‌توانند یک اثر را خوب معرفی کنند. منتقدان سه دسته هستند: دسته اول کسانی که نقد واقعی دارند و به رشد توسعه اثر و جامعه کمک می‌کنند. دسته دوم کسانی هستند که تفاوتی در اصل نگاه ندارند، میانی‌ای در ذهن خود دارند و همه مسائل را بر اساس همان مبانی می‌سنجند و این مبانی را به‌عنوان یک کار عام گسترش می‌دهند. دسته سوم کسانی هستند که از ساحت نقد فراتر رفته و بر اساس سلیقه خود عمل می‌کنند و هر چیزی غیر از سلیقه آنها باشد، رد می‌کنند. همچنین بر اساس حس، نقد می‌کنند و اصولاً غر می‌زنند و نمی‌شود اسم خاصی روی این افراد گذاشت.

ما داعیه این را نداریم که یک کار عجیب‌وغریب انجام داده‌ای؛ اما مسائلی را به‌عنوان یافته‌هایمان از فرایند تحقیق از مخاطبان به دست آورده‌ایم که براینان مهم است. به مسائلی می‌توانیم اشاره کنیم؛ یکی اینکه ۸۹ درصد از مخاطبان از نمایش رضایت دارند. پنج درصد از مخاطبان از نحوه نشستن رضایت ندارند. اکثر مخاطبان نواسته‌اند با نمایش و صحنه هذات‌پنداری کنند. ما حتی تماشاگرانی داریم که از شهرستان‌ها برای دیدن نمایش می‌آیند. بزرگان آسیب‌های اجتماعی ایران به دیدن نمایش ما آمده‌اند و درص رضایت‌مندی آنها از کار به‌قدری است که وقتی عواطف خود را پس از دیدن نمایش به بازیگران و عوامل اجرایی نمایش انتقال داده‌اند، به ما یک آرامش و طبع خاطر دادند که متوجه شویم مسیر را به لطف خدا، اشتباه نیاورده‌ایم. هر نمایشی منتقدانی دارد؛ ما دست منتقدان را می‌فشاریم و همه نکات و نظراتشان را مطالعه می‌کنیم؛ اما در بعضی نقدها، حالت پرخاشگرانه و بی‌ادبانه وجود دارد.

❧ مخاطب‌محوری چقدر در انجام کارتان مهم بوده است؟

من در نقدها می‌خواندم که گفته بودند من در تئاتر به اندازه یک سال تجربه دارم و دست به حرکات خارج از عقل می‌زنم. من از سال ۵۷، از کودکی در کانون پرورش فکری خرم‌آباد تئاتر کار می‌کردم

و استادام مسعود رایگان بود تا الان که تئاتر کار می‌کنم و «یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه»، پنجاه‌وچهارمین نمایش من است که به صحنه می‌برم. در این سال‌ها

هوشنگ گلمکانی سومین کسی بود که روی صحنه رفت و درباره حضورش در کرمان و اکران این فیلم در سینمای هنروتجربه کرمان صحبت کرد. این منتقد همچنین از مصاحبه‌ای گفت که سال‌ها پیش و پس از ساخته‌شدن فیلم «دوندۀ» با امیر نادری برای مجله فیلم داشته است: «این نقل‌قول امیر نادری در آن مصاحبه است، اگر «دوندۀ» باعث شود ۱۰ نفر فیلم‌ساز خوبی شوند، من کار خودم را کرده‌ام و فکر می‌کنم نادری این تأثیر را در میان علاقه‌مندان به سینما گذاشته باشد. امیر نادری بعد از فیلم «انتظار» به یک تام تایت در فیلم‌سازی رسید و «کوه» نیز اثری در ادامه همان مسیر است. این فیلم را با همان زاویه نگاه آثار قبلی نادری ببینید».

اکران دیگر فیلم‌های نادری در هنروتجربه

در ادامه این مراسم مجتبی میرطهماسب، مستندساز و تهیه‌کننده آثار مستند، از امیر نادری گفت و خودش را یکی از کسانی دانست که با تأثیر از سینمای امیر نادری وارد این حرفه شده است. او از روزهایی یاد کرد که به واسطه حضور امیر نادری در منزل نظام کیایی- شوهر خواهرش- با سینمای او آشنا شده و در کارهای خودش از نادری الهام گرفته است: «همان سال‌ها که نادری از ایران رفت، او در نامه‌ای به بهمن مقصودلو نوشت من رفتم ولی یک روز برمی‌گرم. امیر نادری در آن نامه آدرس یک درخت در پوشهر را داده و نوشته بود، یک روز برمی‌گرم، زیر آن درخت دراز می‌کنم، پایم را به سینه آن می‌گذارم و می‌گویم ما خواستیم و شد، مرد بعدی کیست؟ و این امیر نادری است». در ادامه مراسم نوبت به چنگیز حسنی، بخش‌کننده فیلم «کوه» رسید. او صحبت‌هایش را با یک خبر خوب برای علاقه‌مندان سینمای نادری آغاز و عنوان کرد که بعد از نمایش «کوه»، بقیه فیلم‌های امیر نادری که در خارج از کشور ساخته شده‌اند، خریداری و در سینماهای گروه هنروتجربه اکران می‌شوند. آخرین سخنران این مراسم نظام کیایی، رئیس انجمن صادرباران، بود که خاطره‌ای از ساخت یکی از فیلم‌های نادری و نبوغ او گفت؛ فیلمی که در زمان جنگ و در خوزستان و زیر بمباران شدید ساخته شد. کیایی در پایان عنوان کرد: «کوه خود امیر نادری است».بعد از این صحبت‌ها، تصویری از یادداشت امیر نادری به نمایش درآمد؛ یادداشتی که در آن فیلمش را به کامران شیردل، احمدرضا احدی و برات پرتویی تقدیم کرده بود و پس از آن اکران فیلم «کوه» در گروه هنروتجربه رسماً آغاز شد.

به‌عنوان یک فارغ‌التحصیل رشته تئاتر، همیشه بر این موضوع متمرکز بودم که چگونه می‌شود ارتباطات را وارد تئاتر کرد. درحال حاضر، مشغول نگارش یک کتاب با عنوان «ارتباطات تئاتر» هستم که از تئوری‌های ارتباطی برای بسط و گسترش فضای تئاتر استفاده می‌کنم. نمایشی را که الان شاهد هستیم، از یک مدل ارتباطی استفاده می‌کند که مدل ارتباط آیینی است که در رسانه‌های دنیا مانند

روزنامه، تلویزیون و رادیو استفاده می‌شود و مدلی قدرتمند برای ارتباطی نزدیک‌تر است. در این مدل، هم‌گرایی، پیوستگی و همبستگی به وجود می‌آید و در یک دایره شکل می‌گیرد و برای خودش فرم دارد تا مخاطب به یک تعریف متفاوت برسد. مخاطب من در جایی قرار می‌گیرد که نفس به نفس بازیگر، صحنه و تماشاگران دیگر است. در نتیجه، تأثیری که از اثر می‌پذیرد، باعث عوض‌شدن نظر او در رابطه با موضوع می‌شود. این نوع ارتباط، پیش‌رو است و به نسبت سنت‌ها و آیین‌های نمایشی و مدل ارتباط قدرتمندی که در جامعه وجود دارد، آن را ارتطای کرده‌ایم تا درصد تأثیر بر مخاطب افزایش یابد.

مسئله‌ای که برای من خیلی اهمیت دارد و در تمام نمایش‌های من اتفاق می‌افتد، طراحی فرایند تأثیر است. تژ دتکرای من «فراتاز» روایتی دیگری» بوده است؛ به معنی اینکه چگونه دیالوگی می‌مؤثر بین صحنه و تماشاگر برقرار شود که منتج به تأثیر بیشتر باشند. در نمایش «یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه»، استفاده می‌شود، کاملاً خاص است و تژ پست‌دتکرای من است و سال‌ها روی آن کار کرده‌ام. این مسئله نه فقط برای کسب تجربه که برای محک تئوری‌های مختلف تئاتر در دنیااست.

«یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه» تا همین الان برای اجرا به چهار کشور دنیا دعوت شده است؛ به این دلیل که این شیوه اجرایی برای تئاتر دنیا بدیع و تازه است. در نقد دیگری خواندم که برای نمایش ما از واژه تئاتر شورایی استفاده شده بود؛ اساساً استفاده از کلمه «تئاتر شورایی» در کشور ما غلط است و ما هم نمی‌خواهیم نمایش ما شورایی باشد؛ حتی نمایش ما مشارکتی هم نیست. نمایش ما تئاتر فضا و ابتراکتیو (تعاملی) است. ما می‌خواهیم از یک تعامل دوسویه با مخاطب، در راستای نمایش استفاده کنیم نه اینکه داستان نمایش و فرایند آن را عوض کنیم. مخاطب برای ما عنصری دراماتیک است.

سیدفرید قاسمی، پدر تاریخ مطبوعات، بعد از تماشای نمایش به من لطف داشته و بیان کردند: تو از تلفیق دانش رسانه‌ای، هنری و اجتماعی خود به این نمایش رسیدهای.

من نمی‌توانم ۲۷ سال دانش رسانه‌ای خودم را در تئاتر کنار بگذارم. ما در رسانه یاد می‌گیریم مخاطب‌شناسی یکی از اصول اصلی رسانه است و بدون توجه به دانش رسانه‌ای، نمی‌توانیم کار کنیم. داستان نمایش ما کاملاً روشن است و برای لحظه‌به‌لحظه نمایش طراحی انجام داده‌ایم؛ حتی بداهه‌های نمایش و هر شب بعد از پایان نمایش بداهه‌های آن شب را با بازیگران مرور می‌کنیم و برای تمام اتفاقات صحنه تمهید اندیشیده‌ایم و می‌دانیم می‌خواهیم به چه هدفی برسیم. همچنین برای من مهم است که تماشاگر با سؤال از سالن نمایش خارج شود.

بازتاب

جوابیه‌علی معلم، رئیس فرهنگستان هنر

کنایه بیچاره فرهنگستان را می‌پذیرم

● **گروه هنر:** روز سه‌شنبه ۱۷ مرداد، حسین هاشم‌پور درباره ۵۰۰ تابلوی گنجینه بانک پاسارگاد که به ادعای علی معلم، رئیس فرهنگستان هنر، بی‌صاحب است، یادداشتی را منتشر کرد که واکنش علی معلم را به دنبال داشته است که حاکی از همان بی‌صاحب‌بودن است. اما «شرق» چند روز قبل‌تر گزارشی را منتشر کرد که علیرضا نامی و لیلی گلستان بر کذب‌بودن این ادعا اصرار ورزیده‌اند و حالا جوابیه رئیس فرهنگستان هنر:عزیزان من! کنایه بیچاره فرهنگستان را می‌پذیرم، چراکه شان حقوقی ملی و گرانمایه و بزرگی چون فرهنگستان تحت سرپرستی شخصیت حقیقی کوچکی در حد من از نظر خودم هم زیان فرهنگستان است. نسبت «کذب محض»، اما زیاده‌روی است. آیا ناصد تابلو در فرهنگستان نیست؟ که هست. آیا شرکت فلان مدعی مالکیت تابلوها نیست؟ که هست. آیا مدرک و دلیل دارد؟ که ندارد. شما برای که می‌نویسید؟ برای خدا و مردم یا نامردم و نامردمی. خود دانید.

یاد دوست

«ناصر فرهودی»

نامی به وسعت تاریخ موسیقی

علی مغازه‌ای



● با تماسی از استودیو «کنکان پارسه» از درگذشت ناصر فرهودی مطلع شدم. برای اولین‌بار خود را معاصر با موتزارت حس کردم. معاصر با بتهوون و حتی واکتر. احساس کردم معاصر با ویوالدی و وردی بوده‌ام. یک آن مونتوره‌دی و باخ در برابر چشمانم قرار گرفتند.وقتی خبر تشییع ناصر فرهودی را شنیدم، خود را در قرن‌های پیشین دیدم. خودم را در درون دوره رنسانس یافتم. دوران باروک را در یک لحظه زندگی کردم و تمام فرازوفروود دوران کلاسیک و رمانتیک موسیقی اروپا را به آنی مرور کردم و با گذراز روزگار مالر و برامس و شوبرت به روزگار معاصرتر و عصر اشتوکهاوزن و شونینبرگ و میسان و کیچ رسیدم، اما با وجود گذر از تمام این دوران‌ها، یک نام در تمامی مسیر عبور از تاریخ موسیقی در ذهن و اندیشه من تکرار می‌شد و گویی صاحب این نام شاهد و ناظر تمام ادوار تاریخی و تحولات فکری و سبکی تمام قرن‌های گذشته بود و امروز این نام که برای من معاصرت داشت با نام باخ و بتهوون و مالر و شوستاکوویچ و... به دیار عدم رهسپار شده است، به روزگاری‌ای من که خود را در حیرت، وامانده غربتی مه‌آلود در گذر تاریخ و زمانی سنگین‌گذر که آن را نه بدایت و نه نهایی پیدا بود می‌دیدم. هر نوار موسیقی را که می‌خریدم و در میان صداهای درون سلول‌های مغناطیس آن کم می‌شدم، می‌دیدم در گوشه‌ای از جلد آن نام ناصر فرهودی بود. هم. انگار که او عضو جدایی‌ناپذیر هر اثر موسیقایی بود و من اینک بر بی‌تقویمی برخی نام‌ها که عمر خویش را با آنها زیسته بودم، در تهایی خود گریستم. ناصر فرهودی از بین ما پرواز کرد و رفت؛ موسیقی‌دانی که هر شنونده موسیقی در سرزمین ایران با نامش انس و پیوندی تاریخی داشت، نام فرهودی با تاریخ ضبط و فن و هنر صدا در این مملکت عجین بود. نامش جاوید.

۱۹مرداد تااواسط شهریور

سفر علیرضا قربانی به دور ایران با تور کنسرت‌های «فروغ»

● **گروه هنر:** «علیرضا قربانی» در ادامه تور کنسرت‌های آلبوم «فروغ» به آهنگ‌سازی «سامان صمیمی» به شمال و جنوب ایران سفر خواهد کرد. این خواننده باسابقه موسیقی اصیل ایرانی در روزهای ۱۹ و ۲۰ مرداد برای اولین‌بار در تالار آفتاب شهر اهواز قطعات آلبوم جدیدش را روی صحنه می‌برد. فروش بلیت‌های این برنامه از طریق سایت «بلیت‌کنسرت» انجام می‌شود. علیرضا قربانی و گروهش در ادامه عازم دیار آذربایجان می‌شوند و در روزهای دوم و سوم شهریور مهمان مردم شهر تبریز خواهند بود. این برنامه در سالن پتروشیمی این شهر برگزار می‌شود و فروش بلیت‌های هاش از طریق سایت ایران‌کنسرت انجام می‌شود. از سوی دیگر شنیده‌ها حکایت از آن دارد که خواننده آلبوم فروغ دومین اجرای این کنسرت در پایتخت را شهریور، روی صحنه می‌برد، اما هنوز جزئیات دقیق این برنامه قطعی و اعلام نشده است.